

اقرار کیفری در حقوق ایران

حسین زارع شعار*

چکیده:

اهمیت اقرار در امور کیفری و حتی در امور مدنی به حدی است که علمای حقوق آن را ملکه دلایل می نامند. اهمیت آن به حدی است که همیشه در دعاوی بعنوان مهمترین دلیل به آن استناد می شود. اهمیت وجود دلیل برای احراز ارتکاب جرم برای محکومیت تا آنجاست که حضرت علی (ع) می فرماید: اگر هزاران گناهکار بی کیفر بماند بهتر است از آنکه یک نفر بی گناه بر خلاف حق به کیفر برسد. اصولاً در امور اجرایی اقرار متهم بدون اینکه در باب صحت و اعتبار آن تحقیقاتی به عمل آمده باشد و قراینی در تأیید آن موجود باشد موضوعیت نداشته و ممکن است از طریق علم و استنباط دادگاه در تشخیص تقصیر متهم واقع شود و نه آنکه به طور کلی در مقام حکم به ارتکاب فقط دلایل و شواهد اقناع کننده مناط اعتبار خواهد بود. در امور اجرایی اقرار متهم موضوعیت نداشته و فقط امکان دارد طریق علم و استنباط دادگاه در تشخیص توجه اتهام به متهم باشد بنابراین چنانچه متهم متناسبه اقرار نماید اقرار او صریح و منجز باشد و جای شبهه ای هیچ گونه شک و شبهه ای برای دادگاه باقی نگذارد تا حاکم با ضم دلایل دیگر بتواند نسبت به محکومیت او رأی دهد. بنابراین اقرار معلق کوچکترین ارزشی نداشته و حتی طریقت هم نمی تواند داشته باشد.

واژگان کلیدی، کیفری، متهم، دلیل، شکنجه، قانون اساسی

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز

مقدمه:

در طول تاریخ و فراز و نشیب های گذشته ، بشر بهترین راهی را که برای وصول به حقیقت و کشف موضوع بزه اختیار کرده است، گرفتن اعتراف از بزهکار بوده است. بزهکار با سر پیچی از دستورات خداوند و رسولان او ، خود را مستوجب عذاب دانسته و نزد حاکم شرع اقرار و اعتراف به عمل گناه آلوده خود می نماید که در این صورت برابر دستوراتی که در هر مذهب و شریعت وجود دارد با او رفتار می نمایند. در کیش حضرت مسیح هر کس در هر سن و در طول عمر خود اگر گناهی را مرتکب شده می بایست در کلیسا حاضر شده و در نزد کشیش اعتراف به ارتکاب بزه خویش بنماید و اجرای این دستورات برای هر فرد مسیحی واجب و لازم الاجراء می باشد و منصب و خصوصیت اجتماعی و اقتصادی تأثیری در آن نخواهد داشت. کما این که در طول تاریخ پیدایش این کیش می بینیم که بیشتر پادشاهان و سلاطین کشورهای اروپایی در نزد قدیسین مذهبی اعتراف نموده و خود را مستوجب تنبیه و کیفر می دانستند . در اسلام نیز اعتراف به گناه در نزد پروردگار وجود دارد لازم نیست که معترف نزد روحانی حاضر شده اقرار نماید همین که با خدای خویشتن و در پیشگاه او اعتراف بنماید کافی بود و ممکن است خداوند از مجازات او گذشته توبه اش را قبول نماید.

البته همیشه گواهی بر ضد خویشتن ناشی از ملامت وجدان و عذاب روح نبوده است بلکه قاضی برای اینکه زودتر به حقیقت امر واصل شود مرتکب گناه را تحت شکنجه و آزار و اذیت جسمانی و روانی قرار می داد سعی می کرد که خود را از پرس و جوی بیشتر برهاند و همین که متهم به راست یا دروغ اعتراف به عمل خود می کرده است کار را تمام شده دانسته و او را به مجازات می رساند. نمونه های بارز آن اسباب و ادوات موجود در موزه های بزرگ دنیا می باشد که متأسفانه تا چند سال اخیر مورد استفاده بوده است. (هومن، دکتر احمد، کتاب زندان و زندانیها، ص ۹) . امروزه در تمام کشورهای دنیا و در قوانین کیفری و آئین داد رسی، رسیدگی به جرائم و اعمال بزهکارانه به اقرار شخص مرتکب ارزش داده و آن را مورد تصدیق قرار می دهند لکن بر حسب نوع جرم و نحوه اقرار ممکن است دادگاه اقرار متهم را به تنهایی کافی ندانسته و آن را از ارزش بیندازد. همچنین اقراری را که بوسیله شکنجه و آزار و اذیت جسمانی و روانی گرفته شده باشد، محکوم و فاقد ارزش می باشد. (اصل ۲۸ قانون اساسی) باری ارزش اقرار در سیستمهای مختلف قضایی فرق دارد. در این مقاله با پرهیز از پرداختن عمیق به مباحث نظری و علمی و کاربردی



مباحث مرتبط با اقرار به جایگاه آن در نظام قضایی ایران، خواهیم پرداخت. با ذکر این نکته که چون اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها از اهم مسائل مورد توجه در این زمینه است شایسته تر آن است که بحث را از اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها با توجه به اصل ۳۸ قانون اساسی آغاز می کنیم.

الف) اصل قانونی بودن مجازاتها در اصل سی و هشتم قانون اساسی

مراد از اصل قانونی بودن مجازاتها آن است که هر نوع مجازاتی باید قبلاً از طرف قانون گذار وضع و برقرار شده باشد. تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که در قدیم الایام و تا اوایل قرن هفتم میلادی و استقرار آیین اسلامی چنین اصلی در قوانین حقوقی جزای عرفی آن عصر وجود نداشت. اما اسلام برای غالب جرایم مجازاتهای خاصی پیش بینی کرده و اصل قانونی بودن مجازاتها را به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق کیفری اسلام پذیرفته است.

بنابراین از نظر اسلام مجازات باید قانونی باشد و ملاک قانونی بودن آن نیز این است که مستند به یکی از منابع یا ادله فقهی باشد. همچنین اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می دارد: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند به مجازات نیست، و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. بنابراین اقرار اخذ شده بایستی با اصل قانونی بودن مجازاتها و اصل ۳۸ قانون اساسی تناقض نداشته باشد.

ب) اقرار در دادگاه و اقرار در خارج از دادگاه:

ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی در تعریف اقرار بیان داشته است.

اقرار عبارت از اخباریه حقی است برای غیر بر ضرر خود. آئین دادرسی مدنی سابق در ماده ۳۶۶ خود مقرر می دارد اقرار اگر در حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحی که به دادگاه داده شده است به عمل آید اقرار در دادگاه وگرنه اقرار در خارج از دادگاه می باشد. همچنین ماده ۳۶۷ سابق همین قانون مقرر می دارد اقرار کتبی است در صورتی که در یکی از اسناد یا لوایحی که در دادگاه احضار شده باشد و شفاهی است در صورتی که در حین مذاکره در دادگاه به عمل آید. با این حال اقرار کتبی در دادگاه از دیگر اقرارها مهمتر بوده و قاضی می تواند به آن ترتیب اثر بیشتری بدهد. البته اگر اقرار کتبی در خارج از دادگاه در یکی از دفاتر اسناد رسمی به عمل آمده و

یا در یک سند رسمی یا لایحه به عمل آمده باشد دارای همان اثر خواهد بود. اقرار در دادگاه یا اقرار قضایی به عمل آمده در مقابل قاضی در ضمن محاکمه مربوط به یک دعوی دارای آثار و نتایج خاصی است به طوری که علیه اقرار کننده دلیل تام و کاملی است و قاضی ملزم به تأیید صحت آن می باشد.

ج) اقرار صریح و ضمنی

اقرار متهم در حقوق جزایی موضوعیت نداشته و فقط امکان دارد طریق علم و استنباط در دادگاه و تشخیص توجه اتهام به متهم باشد. بنابراین چنانچه متهم به اتهام منتسبه اقرار نماید باید اقرار او صریح و منجز باشد و جای هیچگونه شک و شبهه ای برای دادگاه باقی نگذارد تا حکم دادگاه، ضمن دلایل دیگر بتواند نسبت به محکومیت او رأی دهد. بنابراین اقرار باید صریح و منجر باشد درو اقرار معلق هیچ گونه تأثیری در رأی دادگاه نخواهد داشت.

د) اقرار کلی و جزئی

اقرار کلی و جزئی متوجه مسائل مدنی می شود. اقرار جزئی در مسائل کیفری بدین صورت است که شخص مقرر فقط به قسمتی از عمل انجام شده اقرار می نماید. مانند آنکه مقرر بگوید شخصی را کشته ام ولی نمی دانم آن شخص کیست و در کجا دفن شده ... اقرار کلی بدین صورت است که مقرر بگوید که این مقتول را من کشته ام و این جنازه آن است و با فلان وسیله آن را کشته ام و تمامی قراین و امارات نیز موید این مطلب باشد. بنابراین اقرار جزئی فاقد ارزش در امور کیفری می باشد.

ت) اقرار داوطلبانه و اجباری

اقرار داوطلبانه، اقراری است که اگر کسی اقرار به امری کند مدعی نمی تواند آن را تجزیه کرده و قسمتی را که به نفع او است. قبول و قسمتی که به ضرر اوست رد کند ولی اقرار در امور کیفری ایجاد شک و تردیدی کند و به نفع متهم تفسیر می شود در واقع بیانگر قاعده فقهی (الحدود تدرأ بالشبهات) است.

ز) طریقت و موضوعیت اقرار و اقرار وجدان قاضی

اقرار در امور کیفری طریقت دارد. مثلاً اقرار در قتل عمد با استناد به قراین و امارات دیگر می تواند مثبت قتل باشد ولی اقرار در امور کیفری موضوعیت ندارد و باید مقرون به قرآن و امارات بوده به طوری که برای قاضی ایجاد علم و یقین کند. اقرار وجدان کیفری است که در اثر دلالت ادله و قراین و امارات بر موضوعی خاص، به نحوی که نسبت به آن موضوع برای اشخاص، نوعی علم یا ظن قریب به یقین حاصل شود. قاضی در چنین شرایطی یعنی در حالی که نسبت به ما وقع یقین حاصل کرده یا دست کم در شرایطی که شکی معقول، مانع اظهار نظر وی نیست، می تواند درباره مجرمیت متهم و حدود مسئولیت وی تصمیم بگیرد. ضرورت اقرار وجدانی، خود اثری از آثار اصل برائت است. در سیستم اقرار وجدانی دلایل همگی طریقت دارند و اقرار سیدداله محسوب نمی شود و شهادت ارزشی افزون بر اعتماد نظر کارشناسی ندارد. بنابراین اگر دادگاه با ملاحظه قراین و امارات دیگر، اقرار متهم (و هر دلیل دیگر) را از دلایل خارج نماید موجب شکستن حکم نمی باشد (حکم شماره ۶۱۵ مورخ ۱۳۲۰/۳/۳۱ شعبه پنجم دیوان عالی کشور).

ح) تحصیل اقرار از طریق تست تصویری یا پروژکتور :

در تست معروف به رو شاخ با وادار کردن شخص به مشاهده یک سری ده گانه از لکه های جوهر و اعلام درک و استنباط خود از آنها و در تست معروف T.T.A با نشان دادن یک سری عکس به بازجویی شونده و در خواست بیان تصورات خود از این عکس ها از طریق ساختن داستان برای هر عکس در تست اسزوندی با نشان دادن چند عکس و درخواست بیان نظر خود یا معرفی دو نمونه جالب و غیر جالب از میان آنها و همچنین در تست میرا برای شناخت انحرافات غیر ارادی شخص، از جمله روشهای تشخیص دروغ از راست می باشد.

ط) تحصیل اقرار با استفاده از روش تداعی معانی :

یکی دیگر از روشهای صحت و سقم اظهارات متهم، طریق تداعی معانی یا تسلسل افکار است که یونگ مبتکر آن بود و با روشهای دیگر تکمیل شده است. روش کار در این شیوه بدین صورت است که تعدادی از کلمات که با عمل مجرمانه ارتباط دارد، انتخاب و در لیستی با کلمات معمولی مخلوط می شود، کلمات انتخابی را برای متهم می خوانند و از او می خواهند که برای

هر کلمه مترادف آن رایبان کندوآنگاه جواب داده شده را یادداشت می کنند. قسمت حساس و قابل توجه این روش آن است که متهم درمقابل بعضی کلماتی که باجرم ارتباط دارد، مکث می کند. این آزمایش چند بار تکرار می شود تا نتیجه مطلوبی حاصل شود(سرهنگ یحیی افتخار زاده، پلیس علمی و کشف جرایم، ص ۱۶).

ظ) تحصیل اقرار از طریق دستگاه پلی گراف

پلی گراف دستگاهی است که به دروغ سنج شهرت یافته و کاملترین ماشینی است که تا کنون برای کشف دروغ ساخته شده است. عملکرد این ماشین عبارت است از ثبت یا به زبان بهتر ترسیم فنومهای روانی و فیزیولوژیکی بدن انسان به هنگام دروغ گفتن به صورت نمودار؛ یا به عبارت دیگر عکس عملهای فشار خون و همچنین تغییرات مقاومت الکتریکی پوست را که در اثر فشار ناشی از دروغ ظاهر می شود، ثبت می نماید.

ع) تحصیل اقرار از طریق روش روانی - درمانی (نارکو آنالیز)

این روش، روش روانی - درمانی یا روانشناسی است. یا تحقیقات جنایی خاص است که به موجب آن تحت تأثیر داروهای شیمیایی معین و ایجاد حالت شبه بیهوشی می توان از شخص مورد آزمایش یا تحقیق حرفهای صحیح بدست آورد.

روش مزبور به استفاده از سرم حقیقت نیز معروف است؛ زیرا با خوردن یا تزریق ادویه مختلف می توان از دروغگویی متهمین جلوگیری کرد. (دکتر مهدی نیا، علوم جنایی، جلد سوم، ص ۱۴۹۹).

مطالعه تطبیقی اقرار :

در سیستم حقوق فرانسه، برای محکومیت متهم در تمام جرائم، اخذ اقرار ضروری نیست. محکومیت باید براساس دلایل و قراین و اماراتی باشد که موجبات یقین واعتقاد قاضی را به ارتکاب جرم توسط متهم فراهم سازد. پیشرفتهایی که در مورد کارشناسی های علمی در این کشور حاصل شده است بدون اینکه قاضی را قانوناً و در عمل مشروط و مقید بدان سازد، در استفاده از طریق کشف علمی جرایم و کارشناسی ترغیب می کند. در حقوق فرانسه، اقرار در دادگاه بر هر دلیل دیگری اولویت دارد و قضات رسیدگی کننده توجه بیشتری به آن می کنند. اگر



چه اقرار، مقام و منزلت ایام قدیم را ندارد، اما به عنوان یکی از دلایل مهم در پرونده کیفری مطرح است در ماده ۴۲۸ آیین دادرسی کیفری فرانسه، اقرار مثل هر دلیل دیگری به سنجش آزادانه قضات واگذار شده است. دادگاهها راملزم به قبول آن نمی کنند. اقرار در انگلستان و سیستم قضایی آن بر دو نوع می باشد: یکی اقراری که متهم قبل از بازجویی و محاکمه می نماید؛ بدین صورت وقتی که دادگاه برای او برگ اخطار می فرستد از طرف پلیس نیز یک برگ مخصوص که برای اقرار تنظیم گردیده است فرستاده می شود و متهم با اقرار به ارتکاب جرم کار مامورین قضایی و پلیس رازاحت کرده و از اطاله وقت جلوگیری می نماید. در این گونه اقرارها معمولاً دادگاه رعایت تخفیف در مجازات متهم را نموده و او را به کیفر کمتری محکوم می نماید. دیگر اینکه متهم در بدو امر به ارتکاب جرم اقرار نکرده و در دادگاه حاضر می شود. که در این صورت یا در دادگاه اقرار نموده که با توجه به دلایل دیگر موجود در پرونده، به وضع وی رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می شود. یا اینکه اصولاً انکار نموده و از خود دفاع می نماید. ناگفته نماند که در جنایات بزرگ اقرار اگر چه رأساً و قبل از محاکمه باشد، اگر به همراه دلایل دیگر نظیر شهادت شهود و غیره نباشد، موجب محکومیت نخواهد شد (وفایی، دکتر غلامحسین، اقرار و اعتراف در حقوق جزای انگلیس، مجله کانون وکلاء، سال ۱۶، شماره ۹۲).

نتیجه

بی گمان اهمیت اقرار در امور کیفری و مدنی به حدی است که آن را ملکه دلایل دانسته اند. ولی اقرار و دلایل دیگر بایستی به صورتی باشد که اقناع وجدان قاضی را ایجاد کند. ضرورت اقناع وجدانی خود اثری از آثار اصل برائت است. اقناع وجدان قاضی در نتیجه ی کسب اقرار و دیگر ادله بایستی که از حدود قانون و مقررات تخطی نکند. زیرا اصولاً اقراری که از راه شکنجه و عنف به دست می آید فاقد ارزش و اعتبار بوده و دارای ارزش قضایی نیست؛ که اصل سی و هشتم قانون اساسی نیز موید این مطلب است. به نظرمی رسد روشهای فنی کسب اقرار می تواند موثر واقع شوند، بعنوان مثال دستگاه دروغ سنج که در بعضی از کشورها و بخصوص در فرانسه مورد استفاده واقع می شود. در این روش نقش دستگاه دروغ سنج ده درصد و کارشناس فنی که با دستگاه دروغ سنج کار می کند نود درصد است که با افزایش مهارت شخص کار کننده با دستگاه مزبور می توان به نتایج مطلوبی دست یافت. علم قاضی و اقناع وجدان قاضی نقش بسیار

مهمی در کسب اقرار و دیگر ادله و در نهایت صدور حکم دارد. یک قاضی خوب و دارای مهارت دادرسی بایستی بیش از هر چیز دیگر یک روان شناس مجرب باشد و به نظر می رسد قوه قضاییه بایستی در این زمینه تمهیداتی بیاندیشد که قضات دوره های آموزشی روانشناسی را بگذارند تا بتوانند در مواجه شدن با متهمان و کسب اقرار از آنان به صورت علمی تر برخورد کرده و دیگر شاهد صدور احکام متکی بر کشفیات ذهنی و حدسی نباشیم.

منابع و مأخذ:

- ۱- گلدوزیان، دکتر ایرج؛ حقوق کیفری تطبیقی، جلد ۱، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۲- آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- آشوری، ۱۳۷۵، محمد (۱۳۷۹) آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات سمت.
- ۴- آشوری، محمد (۱۳۷۹)، آیین نامه دادرسی کیفری، جلد ۲.
- ۵- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۴)، ادله اثبات دعوی، تهران نشریه میزان.
- ۶- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۵۶)، دلایل قضایی در حقوق انقلابی فرانسه، چاپ خرمی.
- ۷- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۷۰) شکنجه، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۹.
- ۸- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، عدالت کیفری (مجموعه مقالات) تهران گنج روش.
- ۹- وفایی، غلامحسین، اقرار و اعتراف در حقوق جزایی انگلیس، مجله کانون وکلاء سال ۱۶، شماره ۹۲.

